

## سماع صوفیان

پرسش: چرا صوفیان می رقصند؟

پاسخ: آری، این پرسشی مربوط است. بوداییان فقط در سکوت می نشینند. اهل ذن فقط در سکوت به مراقبه می نشینند و هیچ کاری نمی کنند. ولی صوفیان سماع می کنند.

اینها دو راه متفاوت هستند، زیرا در دنیا دو نوع انرژی وجود دارد: مثبت و منفی، زنانه و مردانه، ین و یانگ. اهل ذن از انرژی منفی استفاده می کنند، راه آنان راه انفعال است. صوفیان از انرژی مثبت استفاده می کنند؛ راه آنان راه عمل است. اینها مردمی بسیار پر ارتعاش هستند. مراقبه‌ی آنان انفعالی نیست؛ مراقبه آنان وجد و شغف است. این هر دو راه به یک هدف منتهی می شود، زیرا که هدف درست در وسط است. مثبت یک قطب آن است و منفی قطب دیگر آن. بین مثبت و منفی، نقطه‌ی وسط قرار

دارد: درست در میان این دو است که تحول روی می دهد - حالتی که انسان از دنیا و همه چیز به فراسوی رود - حالتی که انسان وارد خداوند می شود و الهی می گردد.

اگر احساس می کنی که تو اینک در قطب منفی قرار داری و نوع انفعالی هستی، آنگاه ذن را دنبال کن و در ژرفای منفعل بودن خود حرکت کن و یک روز به وسط خواهی رسید. و یا اگر احساس می کنی که شخصی فعال هستی و سرشار از انرژی و نشستن در سکوت برایت مشکل است و یک شکنجه‌ی بی فایده است، آن وقت سماع کن و راه صوفیان را دنبال کن.

و من بارها و بارها از ذن و صوفیسم سخن می گویم تا انواع مردمی که در این جا هستند بتوانند یاری شوند. تو باید انتخاب کنی. تو باید خودت را تماشا کنی، انرژی خودت را ببینی و سپس انتخاب کنی. این هر دو راه‌هایی معتبر هستند و هر دو به یک هدف ختم می شوند.

رومی می گوید: «هی! از این شراب آتشین بنوش، این جرقه‌های آتش را بنوش و چنان مست شو که در روز رستاخیز بیدار نشوی.»

راه صوفی راه سرمستان است، راه رقصندگان، کسانی که با رقصیدن سرمست می شوند، کسانی که با سماع خود منتقل می شوند. او در سكرات است و رقص او رقصی روان گردان است.

وقتی دیگر، محمد (ص) به جعفر<sup>۱</sup> گفت «تو در صورت و سیرت مانند من هستی» در این جا بار دیگر، جعفر از روی وجد به سماع درآمد. وقتی که محمد (ص) به چشمان جعفر نگاه کرد و چنین گفت، چه کار دیگری می توانست انجام دهد؟ وقتی که وجد و سرور تولید شود، انتقالی فرای کتاب‌های مقدس صورت گرفته است. چگونه این حالت را دریافت می کنی؟ چگونه می توانی نرقصی؟ نرقصیدن غیرممکن است. گفته شده که «تسخیر صوفی توسط خداوند و یا جذب‌ی خداوند است که صوفیان را پیوسته در حالت وجد و سماع درونی و حرکت نگه می دارد...»

چنین نیست که صوفی می رقصد، خداوند در او به وجد مشغول است. او چه کار می تواند بکند؟

«... هرگاه چنان موجی از وجد الهی، قلب صوفی را نشانه می رود، در دریاچه‌ی

۱. منظور، جعفر طیار است. (ناشر)

وجود او امواجی عظیم برمی خیزند... او تنها یک دریافت کننده و گیرنده است. درست نیست که بگوییم صوفی می رقصد. صوفی به رقص درمی آید. او نمی تواند کاری کند، او ناتوان است. چیزی در او ریخته شده و برای او زیاد است؛ پس آن چیز شروع می کند به سرریز شدن در رقص و آواز او.

این، به نوبه‌ی خود بدنش را به حرکت وامی دارد. با دیدن چنین حرکاتی، غیرصوفیان اغلب پنداشته‌اند که صوفی می رقصد. در حقیقت این امواج اقیانوس خداوند است که قلب بی لنگر صوفی را به چرخش و گردش وادار می کند، در ظاهر و از بیرون چنین به نظر می رسد که صوفی سرگرم رقصیدن است. ولی او نمی رقصد، زیرا رقصنده‌ای وجود ندارد. این یک رقص خالص است. خداوند او را تسخیر کرده. صوفی سرمست است. حالت او فنا و نبودن است. او لنگری ندارد. امواج اقیانوس هستند که در چرخش و گردش‌اند. نخست وجود درونی او برهم خورده، شوقی عظیم در آن جا برخاسته و آنگاه این امواج شروع می کنند به انتشار در بدن او. این کاری است که شما با آنیتا (Aneeta) انجام می دهید. این چیزی است که برای آنیتا روی می دهد. در سماع، شما در چیزی بسیار زیبا مشارکت می کنید. یادت بماند: رقصنده را فراموش کن و رقص باش. راه صوفیان راه سماع، آواز و ضیافت است.

برگرفته از کتاب راز - جلد دوم

مترجم: محسن خاتمی

[www.osho.persianblog.com](http://www.osho.persianblog.com)

[www.iranosho.0catch.com](http://www.iranosho.0catch.com)